

United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China Relations

Leila Ghaffarzadeh Ph.D. Candidate, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.. E-mail: leila.ghaffarzadeh@gmail.com

Kayhan Barzegar Corresponding Professor, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran E-mail: k-barzegar@srbiau.ac.ir

Majid Tavassoli Roknabadi Associate Professor, Department of Political Sciences and International Relations, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. E-mail: tavassoli@gmail.com

Article Info

Article Type:
Reserch Article

Keywords:
United States,
Economic Diplomacy,
China,
Iran

ABSTRACT

China's overarching strategy has consistently emphasized its aspirations to become a global power and surpass the United States. Its policies have revolved around deconstructing the values and established norms created by the United States, creating and shaping new regional orders, and ultimately expanding its influence and outpacing the US. China's efforts to upset the balance of military and economic power culminated in the initiation of a trade war in 2018, casting uncertainties over the future political and economic relations between China and the US. China not only needs to seek alternative consumer markets but can also strengthen its Belt and Road Initiative by enhancing political, economic, and military relations with regional countries. Additionally, by establishing closer ties with oil-rich nations, China can secure its energy interests. Consequently, one might question whether the deteriorating relationship between China and the US will bring Iran and China closer together. By adopting an interpretative-analytical approach and utilizing the theoretical framework of structuralism, this study hypothesizes that similarities and political, economic, and military needs between Iran and China can be significant factors in shaping a coalition between the two countries. Iran can leverage China's support to advance its own objectives, while China can rely on Iran to ensure energy security, advance the Belt and Road Initiative, and counter America's progressive policies in the region.

Cite this Article: Ghaffarzadeh, L. , Barzegar, K. and Tavassoli Roknabadi, M. (2025). United States and China's Trade War: The Effects on Iran-China Relations. *International Relations Researches*, 14(4), 31-61. doi: 10.22034/irr.2023.403527.2401



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2023.403527.2401



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط ایران و چین

لیلا غفارزاده دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: leila.ghaffarzadeh@gmail.com

کیهان برزگر نویسنده مسئول، استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: k-barzegar@srbiau.ac.ir

محمد توسلی رکن آبادی دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. رایانامه: tavasoli@gmail.com

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: ایالات متحده، دیپلماسی اقتصادی، چین، ایران تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	سیاست‌های چین ابتدا حول محور بی‌ارزش ساختن نظم منطقه‌ای ساخته شده توسط آمریکا، در تلاش برای شکل دادن به نظم منطقه‌ای جدید و قدرت گرفتن در منطقه و اتخاذ سیاست گسترش و پیشی گرفتن از آمریکا بوده است. تلاش‌های چین برای برهم زدن موازنه قدرت نظامی و اقتصادی به تیرگی روابط آمریکا و چین انجامید و در نهایت منجر به شروع جنگ تجاری در سال ۲۰۱۸ شد. با شروع جنگ تجاری، آینده روابط سیاسی و اقتصادی چین و آمریکا در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت. چین نه تنها باید به دنبال جایگزین کردن بازارهای مصرفی‌اش باشد، بلکه می‌تواند با قدرت بخشیدن به روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی‌اش با کشورهای منطقه، نه تنها برنامه یک کمربند یک جاده خود را تقویت کند، بلکه با نزدیکی به کشورهای نفت خیز، امنیت انرژی خود را نیز تأمین نماید. بنابراین آیا می‌توان متصور شد با تیرگی روابط بین چین و آمریکا، رابطه ایران و چین نزدیک‌تر می‌شود؟ با بهره‌گیری از رویکردی تبیینی-تحلیلی و کاربست نظریه سازه‌نگاری، مطابق فرضیه این پژوهش، شباهت‌ها و نیازهای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران و چین می‌تواند عامل مهمی در شکل‌گیری ائتلاف بین دو کشور باشد چرا که ایران می‌تواند از حمایت چین برای پیشبرد اهداف خود استفاده کند و در نقطه مقابل چین هم می‌تواند از ایران برای تأمین امنیت انرژی، پیشبرد برنامه یک کمربند و یک جاده و نیرویی برای مقابله با سیاست‌های پیشروی آمریکا در منطقه استفاده کند.

استناد به این مقاله: غفارزاده، لیلا، برزگر، کیهان و توسلی رکن آبادی، مجید. (۱۴۰۳). جنگ تجاری آمریکا و چین؛ تأثیرات آن بر روابط

ایران و چین. پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ۱۴(۴)، ۳۱-۶۱. doi: 10.22034/irr.2023.403527.2401

© نویسنده(گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین‌الملل





آنچه که امروزه به شکل جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین خوانده می‌شود، معلول کسری تجاری تاریخی آمریکا نسبت به چین و اتهامات این ابر قدرت به اتخاذ رویکرد ناعادلانه تجاری چین است. حجم تجارت آمریکا و چین از اواخر دهه ۱۹۷۰ که مصادف است با اصلاحات اقتصادی در چین، همواره در حال گسترش بوده است. در حالی که امروزه چین و آمریکا بزرگترین اقتصادهای دنیا هستند، در سال ۲۰۰۰ میلادی ارزش اقتصادی چین یک دهم تولید ناخالص داخلی آمریکا بود. اما با ورود چین به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، همکاری اقتصادی دو کشور بیشتر شد و هر دو طرف مهمترین و بزرگترین شرکای تجاری یکدیگر شدند. در حال حاضر چین با ۵۵۸ میلیارد دلار مبادله دو طرفه کالا در سال ۲۰۱۹، بزرگ‌ترین شریک تجاری آمریکا است؛ در حالیکه چین سومین بازار صادراتی کالا برای آمریکا می‌باشد. در طول تاریخ ارقام مبادلات تجاری حاکی از آن است که واردات آمریکا از چین همواره بیشتر از صادراتش به چین بوده است و این مهم علت شکل‌گیری کسری تجاری رو به افزایش آمریکا به چین است. چین بزرگترین تأمین‌کننده کالاهای وارداتی آمریکا می‌باشد. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۹ ارزش صادرات کالا از آمریکا به چین معادل ۱۰۶.۴ میلیارد دلار (۱۱.۵ درصد کاهش از ۲۰۱۸، اما بیش از ۵۰ درصد افزایش از سال ۲۰۰۹) بوده در حالی که ارزش واردات کالا از این کشور معادل ۴۵۱.۷ میلیارد دلار (۱۶.۲ درصد کمتر از ۲۰۱۸ و بیش از ۵۰ درصد بیشتر از ۲۰۰۹) بوده است. جنگ تجاری آمریکا و چین را می‌توان در چارچوب یک تنش تجاری قلمداد کرد که تا به امروز ادامه دارد. نقطه آغاز این جنگ را می‌توان فشارهای اقتصادی ترامپ بر بیجینگ برای تغییر در آنچه ترامپ به عنوان سیاست‌های ناعادلانه تجاری قلمداد می‌کرد، دانست. ترامپ برای تعدیل در این سیاست‌ها که شامل اجبار به انتقال تکنولوژی، محدودیت دسترسی به بازار، دزدی مالکیت معنوی و یارانه و حمایت از شرکت‌های با مالکیت دولتی می‌باشد، در سال ۲۰۱۸ تعرفه و دیگر محدودیت‌های تجاری بر چین اعمال کرد تا بتواند از کسری تجاری بین دو کشور بکاهد. آغاز رسمی تنش‌های تجاری را می‌توان با اعمال تعرفه‌های مشابه چین بر آمریکا و متهم کردن ترامپ از سوی سران چین به اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه ملی‌گرا دانست اگرچه دو طرف به گام اول برای مذاکره در سال ۲۰۲۰ دست یافتند اما تنش‌ها ادامه داشت و انتظار می‌رود که در دوره ریاست جمهوری بایدن نیز ادامه پیدا کند.

از طرفی، راهبرد چین برای مقابله با مانورهای سیاسی آمریکا برای مهار قدرت‌اش می‌تواند در چند فاکتور مهم خلاصه شود. اول، برنامه گشایش همه‌جانبه است که در این برنامه، هدف چین بازگشایی



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



گوناگون در شکل‌گیری روابط این دو کشور می‌پردازد و معتقد است چنانچه متغیرهایی چون عوامل اقتصادی، نظامی و همکاری‌ها در حوزه انرژی مشوق روابط بیشتر هستند، روابط چین با غرب را از عوامل محدودکننده می‌داند که نقش مهمتری دارند و باعث کمترشدن روابط شده‌اند. این مقاله که پیش از شروع جنگ تجاری آمریکا و چین نوشته است، روابط آمریکا و چین را پس از گذر از همکاری‌ها و رقابت استراتژیک، تثبیت‌شده می‌داند.

در مقاله جدیدی تحت عنوان «روابط چین-ایران: نه خیلی خاص» نوشته کالابریس، رابطه اقتصادی ایران و چین - بویژه در راستای تأمین انرژی چین- و همچنین جانبداری چین از ایران در مقابل فشارهای آمریکا برای جلوگیری از تنش در منطقه، بررسی و تحلیل می‌شود. در این مقاله نه تنها سیاست‌های چین در منطقه در قبال ایران بررسی می‌شوند بلکه سیاست‌های آمریکا در رابطه با چین (رقابت استراتژیک با چین) و ایران (تغییر گسترده در روابط تنش‌زای ایران) بررسی می‌گردد و رابطه چین و ایران را به شدت متأثر و مشروط بر سیاست‌های آمریکا در این راستا می‌داند.

در کنار مقاله ایزدی و خدایی «تحریم‌های آمریکا در روابط ایران و چین»، روزنامه‌هایی چون بلومبرگ، فایننشال تایمز و همچنین ایسنا، شرق و مهر در چارچوب خبرهای کارشده و انعکاس نظرات صاحب‌نظران و سیاستمداران به تأثیر رابطه چین و آمریکا بر روی ایران پرداخته‌اند. به عنوان مثال اقتصاد آنلاین با تیتر «ایران برنده جنگ تجاری آمریکا و چین» معتقد است یکی از واکنش‌های چین به اعمال تعرفه بر کالاهای چینی افزایش واردات نفت از ایران می‌باشد.

با توجه به آنکه روابط سیاسی و اقتصادی ایران و چین از سابقه طولانی برخوردار است، پژوهش‌های مختلفی چه در داخل و چه در خارج به بررسی آن از جوانب مختلف پرداخته‌اند. با توجه به آنکه موضوعیت جنگ تجاری آمریکا و چین به خودی خود دارای موضوعیت جدیدی می‌باشد و از سال ۲۰۱۸ تحریم‌های دوطرفه آمریکا و چین بر روی کالاهای یکدیگر آغاز شده است، پژوهشی که به شکل مستقیم آثار این تنش‌ها را بر رابطه ایران و چین بررسی کند، صورت نگرفته است؛ لذا مقتضی است که بررسی‌های بیشتری در این زمینه صورت بگیرد. در این مطالعه تغییر، چرخش و یا شفاف‌سازی راهبردهای سیاست خارجی سیاستمداران ایران و چین در چارچوب تأمین منافع امنیت ملی هر یک در دوره پساجنگ تجاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. بنیان این پژوهش بر استفاده از ترکیبی از مطالعات موجود در زمینه تاریخچه روابط ایران و چین در زمینه سیاسی، اقتصادی و نظامی بنیان‌گذاری شده و پس از بررسی وضعیت موجود به تبیین و تحلیل احتمال همگرایی بیشتر بین دو کشور که معلول



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



انتخاب‌شده دولتی را رد کند، احتمال ایجاد تنش در جامعه بین‌المللی و نهایتاً وقوع تنشی جدی وجود دارد. بنابراین در سازه‌انگاری، منافع دولت‌ها حاصل روابط اجتماعی است و روابط دولت‌ها در چارچوب معنایی که برای یکدیگر قائل هستند، تعریف می‌شود. ساختارها و هنجارها به اندازه ساختارهای مادی در این نظریه مهم هستند و هویت‌ها و هنجارهای عنصر اصلی شکل‌گیری منافع و کنش‌های متقابل بین دولت‌ها هستند و ساختار و کارگزار در یک رابطه دو سویه بر یکدیگر اثر می‌گذارند و یکدیگر را می‌سازند. به اعتقاد واینر (۲۰۰۳) محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند و همچنین دولت‌ها، منافع و هویت آنها را از پیش تعریف‌شده نمی‌داند بلکه خصوصیات و سیاست‌های دولت‌ها در معلول تعاملات آنها و محصول کنش‌های اجتماعی می‌داند. این تعاملات گستره‌ای از مذاکرات، چانه‌زنی، بحث و استدلال و ارتباط همگانی، سخنرانی‌ها و علامت‌ها می‌باشد. بنابراین برای تحلیل روابط خارجی و یافتن چرایی سیاست خارجی دولت‌ها باید به هنجارها و نقش هویت‌ها در شکل‌گیری آنها پرداخت. لازم به ذکر است که سازه‌انگاری را نمی‌توان تنها محدود به هویت و فاکتورهای ایده‌ای در روابط بین‌الملل کرد بلکه به اعتقاد رویس اسمت، سازه‌انگاری باید به دو دسته فراملی و داخلی تقسیم شود که در سطح بین‌المللی نقش هنجارهای بین‌المللی و در سطح داخلی بر نقش هنجارهای داخلی تأکید می‌شود. این دیدگاه معتقد است که سیاست بین‌الملل در قالب جامعه بین‌الملل شکل می‌گیرد و این جامعه بر اساس هنجارها و قواعد خاص خود به منافع دولت‌ها شکل می‌دهد و دلیل عقلانی رفتار دولت‌ها را فراهم می‌آورد (Wiener, 2003).

با توجه به اینکه این نظریه تنها بر شرایط و نیروهای مادی تکیه نکرده است، انگاره‌ها و اندیشه و اعتقادات بین‌الذهانی نیز که در میان مردم جهان به طور گسترده رخ می‌دهد را در مرکزیت تحلیل برای درک منافع قرار می‌دهد. رفتار دولت‌ها، تعاملات آنها و منافعشان نه بر اساس یک الگوی مادی و از پیش تعیین‌شده، بلکه در طول زمان و بر اساس هویت‌ها شکل می‌گیرد. از نگاه سازه‌انگاری، آنچه حائز اهمیت است تأثیر هنجاری ساختارهای نهادی بنیادی بر منافع و رفتار دولت‌هاست و به بررسی دگرگونی آنها در طول زمان می‌پردازد. از آنجا که هویت دولت‌ها به زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بستگی دارد بنابراین در وضعیت متغیر به سر می‌برند، منافع مانند هویت‌ها از طریق عملکردهای اجتماعی حاصل می‌شود. ساختار و کارگزار به یک اندازه مهم هستند و به شکل متقابلی بر هم تأثیر می‌گذارند و تصور ساختار جدا از رویه‌های کنشگران ممکن نمی‌باشد. دولت‌ها صرفاً واحدهای حقوقی یا سازمان‌های رسمی نیستند بلکه مجموعه‌ای از رویه‌ها هستند که به شکل هنجاری قوام یافته‌اند. از طرفی دیگر از



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دولت ایالات متحده گاهی از جنبه‌های مختلف روابط تجاری ایالات متحده و چین، از جمله کسری‌های تجاری بزرگ دوجانبه و نرخ‌های مبادله نسبتاً انعطاف‌ناپذیر چین انتقاد کرده است. دولت‌های جورج دبلیو بوش و باراک اوباما برای محافظت از تولیدکنندگان داخلی آمریکا، سهمیه‌ها و تعرفه‌هایی را بر منسوجات چینی اعمال کردند و چین را متهم کردند که این محصولات را با قیمت‌های دامپینگ صادر می‌کند (Guo et al., 2018: 107). در طول دولت اوباما، ایالات متحده علاوه بر این، چین را به پرداخت یارانه به تولید آلومینیوم و فولاد متهم کرد و طیف وسیعی از تحقیقات ضد دامپینگ را علیه چین آغاز کرد. در طول این دو دولت ایالات متحده، تجارت ایالات متحده و چین به رشد خود ادامه داد (Guo et al., 2018: 108-109). در طی این مدت، اقتصاد چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان (با استفاده از نرخ ارز اسمی) تبدیل شد و تنها پس از ایالات متحده در رتبه دوم قرار گرفت و ابتکارات اقتصادی چین در مقیاس بزرگ، مانند طرح کمربند و جاده، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیایی و «ساخت چین ۲۰۲۵» برخی از سیاست‌گذاران ایالات متحده را نگران کرد (Chong & Li, 2019: 194). به طور گسترده‌تر، رشد اقتصادی چین توسط دولت ایالات متحده به عنوان چالشی برای تسلط اقتصادی و ژئوپلیتیکی آمریکا در نظر گرفته شده است (Kwan, 2020).

دونالد ترامپ در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خود در سال ۲۰۱۶ وعده داد که کسری تجاری ایالات متحده با چین را کاهش دهد که او آن را به اقدامات تجاری ناعادلانه، مانند سرقت مالکیت معنوی و عدم دسترسی شرکت‌های آمریکایی به بازار چین نسبت داد (What Is the US-China Trade War?, 2020). طرفداران آمریکایی اعمال تعرفه‌ها بر چین استدلال کرده‌اند که تعرفه‌ها مشاغل تولیدی را برای ایالات متحده به ارمغان می‌آورد. تعرفه‌های دوجانبه باید متقابل باشد. آمریکا باید کسری تجاری خود با چین را از بین ببرد و اینکه چین باید سیاست‌های مختلف حاکم بر مالکیت معنوی و سرمایه‌گذاری را تغییر دهد (Bekkers & Schroeter, 2020). اکثر اقتصاددانان نسبت به توانایی تعرفه‌ها برای دستیابی به سه مورد اول از این اهداف تردید دارند. یک مطالعه تخمین می‌زند که صادرات ایالات متحده به چین از ۱.۲ میلیون شغل آمریکایی پشتیبانی می‌کند و شرکت‌های چندملیتی چینی به طور مستقیم ۱۹۷۰۰۰ آمریکایی را استخدام می‌کنند، در حالی که شرکت‌های آمریکایی در سال ۲۰۱۹ تقریباً ۱۰۵ میلیارد دلار در چین سرمایه‌گذاری کردند (Lawder, 2021). اقتصاددانان تأثیر تجارت با چین و افزایش بهره‌وری نیروی کار را بر اشتغال در بخش تولید آمریکا، با نتایج متفاوتی مطالعه کرده‌اند (Autor et al., 2013; Feenstra et al., 2019). اکثر اقتصاددانان معتقدند که کسری تجاری آمریکا به جای سیاست تجاری،



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



آمریکا هزینه می‌کند. پس از اعمال تعرفه‌ها، او ورود به جنگ تجاری را رد کرد و گفت: "جنگ تجاری سال‌ها پیش توسط افراد احمق یا نالایق که نماینده ایالات متحده بودند شکست خورد." او گفت که ایالات متحده کسری تجاری ۵۰۰ میلیارد دلاری در سال دارد و سرقت مالکیت معنوی 300 (IP) میلیارد دلار اضافی هزینه دارد. او گفت: «ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این کار ادامه پیدا کند» (Smith, 2018). جیم شولتز، مشاور سابق کاخ سفید، گفت که «از طریق چندین دولت ریاست جمهوری - کلینتون، بوش و اواما - ایالات متحده ساده لوحانه به سمت دیگری نگاه کرده است، در حالی که چین مسیر خود را به سمت یک مزیت ناعادلانه در بازار تجارت بین‌المللی فریب داده است» (Schultz, 2019).

به گفته دولت، اصلاحات دولت چین حداقلی بوده و منصفانه و متقابل نبوده است: «پس از سال‌ها گفت‌وگوهای آمریکا و چین که حداقل نتایج و تعهداتی را به همراه داشت که چین به آن‌ها احترام نمی‌گذاشت، ایالات متحده برای مقابله با چین در مورد آن اقدام می‌کند. انتقال فناوری اجباری، اعمال مالکیت معنوی، و نفوذ سایبری به شبکه‌های تجاری ایالات متحده توسط دولت، تحریف‌کننده بازار از جمله این موارد هستند» (President Donald J. Trump Is Confronting China's Unfair Trade Policies, 2018). فناوری مهم‌ترین بخش اقتصاد ایالات متحده محسوب می‌شود. به گفته رابرت ای. لایتیزر، نماینده تجاری ایالات متحده، چین سیاست «انتقال اجباری فناوری» را همراه با تمرین «سرمایه‌داری دولتی»، از جمله خرید شرکت‌های فناوری ایالات متحده و استفاده از سرقت سایبری برای به دست آوردن فناوری، حفظ می‌کند. در نتیجه، مقامات دولت ترامپ، تا اوایل سال ۲۰۱۸، اقداماتی را برای جلوگیری از خرید شرکت‌های فناوری آمریکایی توسط شرکت‌های تحت کنترل دولت چین انجام دادند و سعی داشتند شرکت‌های آمریکایی را از واگذاری فناوری‌های کلیدی خود به چین به عنوان هزینه‌ای برای ورود شرکت‌های فناوری آمریکایی به بازار چین، بازدارند (Rogin, 2018). به گفته جاش روگین، تحلیلگر سیاسی: «این اعتقاد وجود داشت که چین یک اقتصاد خصوصی را توسعه خواهد داد که با سیستم WTO سازگاری دارد. رهبری چین تصمیمی سیاسی برای انجام عکس گرفته است. بنابراین اکنون ما باید پاسخ دهیم» (Rogin, 2018).

لایتیزر معتقد بود که ارزش تعرفه‌های اعمال شده بر اساس برآوردهای ایالات متحده از خسارت اقتصادی واقعی ناشی از سرقت ادعایی مالکیت معنوی و محدودیت‌های مالکیت خارجی است که شرکت‌های خارجی را ملزم به انتقال فناوری می‌کند (Clark, 2018). چنین سرمایه‌گذاری‌های مشترک اجباری به شرکت‌های چینی دسترسی غیرقانونی به فناوری آمریکایی می‌دهد (McLaughlin & Strohm, 2018).



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تجاری مشکل مهمی برای اقتصاد آمریکا ایجاد نمی‌کند (Council on Foreign Relations, 2019). تقریباً همه اقتصاددانانی که به نظرسنجی‌های انجام‌شده توسط آسوشیتدپرس و رویترز پاسخ داده‌اند، گفتند که تعرفه‌های ترامپ بیشتر از آنکه به نفع اقتصاد آمریکا باشد، برای این کشور ضرر خواهد داشت (Boak, 2018; Sarkar, 2018) و برخی از اقتصاددانان از روش‌های جایگزین برای رسیدگی به کسری‌های تجاری با چین حمایت کردند (Freund, 2017; Hass, 2018; Makin, 2019).

آمار و ارقام موجود و همچنین نظرات کارشناسان و اقتصاددانان نشان می‌دهد جنگ تجاری بر اقتصاد هر دو کشور تأثیر منفی گذاشته است (Laker, 2020; Nee Lee, 2020). در ایالات متحده جنگ تجاری با چین منجر به هزینه‌های بالاتر برای تولیدکنندگان، قیمت‌های بالاتر برای مصرف‌کنندگان و مشکلات مالی برای کشاورزان شده است. در چین، جنگ تجاری به کاهش سرعت رشد تولید اقتصادی و صنعتی کمک کرد که قبلاً رو به کاهش بود. بسیاری از شرکت‌های آمریکایی زنجیره‌های تأمین را به نقاط دیگر آسیا منتقل کرده‌اند و این نگرانی را ایجاد کرده‌اند که جنگ تجاری منجر به "انفصال" اقتصادی آمریکا و چین شود (Politi, 2020). جنگ تجاری همچنین باعث آسیب اقتصادی در سایر کشورها شده است، اگرچه برخی از آن‌ها از افزایش تولید سود بردند؛ زیرا تولید به آن‌ها منتقل شد. جنگ تجاری دو کشور همچنین منجر به بی‌ثباتی بازار سهام شد. دولت‌ها در سراسر جهان اقداماتی را برای رسیدگی به برخی از آسیب‌های ناشی از درگیری اقتصادی بین دو کشور انجام داده‌اند (Rappeport & Bradsher, 2019). بیش از سه سال است که از آغاز جنگ تجاری آمریکا با چین می‌گذرد و نتیجه این تقابل و تخاصم اقتصادی برای هر دو طرف نتیجه «باخت - باخت» را به دنبال داشته است (China Daily, 2018). همچنین این تقابل تجاری نتوانسته است به راحتی به «جداسازی» بین چین و ایالات متحده دست یابد، برعکس، با ادامه گسترش عدم تعادل تجاری جهانی هر دو کشور را قربانی کرده است. واقعیت‌ها ثابت کرده است که جنگ تجاری نمی‌تواند نگرانی‌های ایالات متحده را برطرف کند؛ زیرا تنها با کنار گذاشتن تعصبات سیاسی، تمرکز بر حل مناقشات داخلی، توقف جنگ تجاری و همکاری با چین، می‌توان رویکرد ایالات متحده را صحیح دانست. تحت تأثیر این بیماری همه‌گیر، تحقق تعهدات تدارکاتی چین در مرحله اول توافق تجاری دشوار است. در سال ۲۰۲۰، واردات چین از ایالات متحده ۴۰ درصد کمتر از هدف توافق است و رسیدن به هدف در سال جاری دشوار خواهد بود. چشم‌انداز روابط تجاری ایالات متحده و چین تاریک است. جنگ تجاری چین و آمریکا، با توجه به اینکه دو کشور از قدرت‌های اقتصادی و نظامی جهان محسوب می‌شوند پیامدها و اثرات متعددی در بر داشته است. این پیامدها را



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تجارت دوجانبه یکی از ابزارهای کاهش رشد قدرت نظامی و اقتصادی چین است (Kapustina et al., 2020). در اوایل ژوئیه ۲۰۱۸، نتایج منفی و مثبتی در اقتصاد آمریکا در نتیجه تعرفه‌ها نشان داده شد؛ زیرا تعدادی از صنایع رشد اشتغال را نشان دادند در حالی که برخی دیگر در حال برنامه‌ریزی برای اخراج کارکنان بودند (Trade War With China Heats Up, But Tariff Effects Are Already Rippling Across U.S., 2018). مفسران آمریکایی خاطرنشان کردند که محصولات مصرفی بیشتر از همه تحت تأثیر تعرفه‌ها قرار می‌گیرند. زمانی که هزینه‌ها افزایش می‌یابد نامشخص بود زیرا شرکت‌ها باید بفهمند که آیا می‌توانند افزایش تعرفه‌ها را بدون انتقال هزینه‌ها به مصرف کنندگان حفظ کنند یا خیر؟ (A Look at the Impact of the US-China Trade War on Consumers, 2018).

حوزه‌های مختلف اقتصاد آمریکا نیز به واسطه اقدامات متقابل جمهوری خلق چین در این جنگ تجاری به انحاء مختلف دچار آسیب و ضرر شده است. یکی از این حوزه‌ها حوزه کشاورزی است. کشاورزان آمریکایی به‌ویژه تحت تأثیر اقدامات تجاری تلافی جویانه چین قرار گرفتند (Zumbrun, 2020a). در پاسخ، کمک دولت ترامپ برای مشکلاتی که کشاورزان با آن مواجه بودند به صورت پرداخت نقدی، تضمین معاملات تجاری اضافی و اصلاح مقررات زیست محیطی به نفع کشاورزان ذرت بود (Pramuk, 2019; Tausche, 2019; Rappeport, 2019). بر اساس گزارش اداره مزرعه آمریکا، صادرات محصولات کشاورزی از ایالات متحده به چین از ۲۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۴ به ۹.۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است که شامل کاهش فروش گوشت خوک، سویا و گندم می‌شود. ورشکستگی مزارع افزایش یافته است و سازنده تجهیزات کشاورزی شرکت Deere & Company پیش‌بینی سود خود را دو بار بین ژانویه و اوت ۲۰۱۹ کاهش داد. در آگوست ۲۰۱۹ گزارش اداره کشاورزی ایالات متحده نشان داد که با کاهش صادرات گندم آمریکا به چین، صادرات گندم کانادا به چین از ۳۲٪ به بیش از ۶۰٪ افزایش یافت (Rappeport, 2019). تولیدکنندگان تجهیزات کشاورزی تحت تأثیر بی میلی کشاورزان برای سرمایه‌گذاری در تجهیزات جدید قرار گرفتند، به طوری که فروش در سه ماهه اول سال ۲۰۱۹ به میزان قابل توجهی کاهش یافت (Dorning, 2019). با این حال، علی‌رغم تأثیرات منفی، نظرسنجی‌ها در ژوئیه ۲۰۱۹ نشان داد که اکثر کشاورزان همچنان به حمایت از ترامپ ادامه می‌دهند، زیرا ۷۸ درصد از آنها گفتند که معتقدند جنگ تجاری در نهایت به نفع کشاورزی ایالات متحده خواهد بود (Breuninger, 2019). دفتر پاسخگویی دولت در فوریه ۲۰۲۰ اعلام کرد که این برنامه را بررسی خواهد کرد، زیرا گزارش‌هایی مبنی بر توزیع نادرست کمک‌ها انجام می‌شود (Rappeport, 2020). طبق



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مینشین پی، محقق سیاست چین در کالج کلرمونت مک‌کنا در کالیفرنیا از جمله اندیشمندانی است که استدلال کرد جاه‌طلبی شی جی‌پینگ برای احیای چین به عنوان یک قدرت جهانی از طریق ادامه مناقشه تجاری توخالی آشکار شده است (Vanderklippe, 2018). در همان سال جو بایدن، معاون سابق رئیس‌جمهور آمریکا در دوره باراک اوباما گفت: «در حالی که ترامپ یک جنگ تجاری مضر و نامنظم را بدون هیچ استراتژی واقعی دنبال می‌کند، چین خود را برای رهبری جهان در انرژی‌های تجدیدپذیر قرار می‌دهد». چالش و مسئله دیگری که جنگ تجاری آمریکا و چین به همراه داشته به نوعی به همه‌گیری کووید ۱۹ مربوط است. تعرفه‌های تجهیزات پزشکی به دلیل همه‌گیری کووید-۱۹ از نظر سیاسی پیچیده شده است. وال استریت ژورنال، با استناد به Trade Data Monitor برای نشان دادن اینکه چین منبع اصلی بسیاری از تجهیزات پزشکی کلیدی است، نگرانی‌هایی را مطرح کرد که تعرفه‌های ایالات متحده بر واردات از چین، واردات تجهیزات پزشکی به ایالات متحده را تهدید می‌کند (Greenwood, 2019). همان‌گونه که گفته شد رقابت و تخاصم میان این دو غول اقتصادی جهان نوعی متمایز و منحصر به فرد نسبت به رقابت‌های پیش از خود به ویژه در دوران جنگ سرد بوده است. حضور گسترده ایالات متحده و همپیمانانش در دریای جنوبی چین و حمایت از تایوان در برابر جمهوری خلق چین و همچنین رشد سریع و شتابان اقتصادی چین و گسترش نفوذ آن در پهنه بین‌المللی موجب اصطکاک بیش از پیش میان دو کشور شده است. این تقابل و تخاصم اقتصادی میان دو طرف از سال ۲۰۱۸ به صورت رسمی در ادبیات دانشگاهی و سیاسی به عنوان جنگ تجاری شناخته می‌شود. جنگ تجاری در آغاز با اعمال تعرفه‌های از سوی ایالات متحده بر واردات کالا و خدمات از چین آغاز شد (Vlados, 2020: 2) و سپس با واکنش متقابل چینی‌ها شدت یافت. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان چهار دلیل یا علت را برای این تقابل تجاری لحاظ کرد. چهار دلیل اصلی را که منجر به بزرگ‌ترین درگیری تجاری بین دو اقتصاد در تاریخ مرتبط با نیت ایالات متحده شده عبارتند از؛ الف) کاهش کسری تجارت دوجانبه و افزایش تعداد مشاغل. ب) محدود کردن دسترسی شرکت‌های چینی به فناوری‌های آمریکایی و جلوگیری از مدرن‌سازی دیجیتال صنعت در جمهوری خلق چین؛ ج) جلوگیری از رشد قدرت نظامی چین؛ و د) کاهش کسری بودجه فدرال (Kapustina et al., 2020, 1).

این تقابل و روابط تجاری میان دو کشور در سه سطح دولت‌های ملی (آمریکا و چین)، نظام بین‌الملل در سطح کلان آن و کشورهای دیگر منشأ اثرگذاری و پیامد بوده است. در سطح دولت‌های ملی کشور، در حوزه‌های مختلف به ویژه حوزه اقتصاد این تقابل تجاری اثرات خود را نشان داده است. یکی از



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



محققان هشدار داده‌اند که این انتفاع یک امر پایدار و گذرا است و نبود ثابت و از همین رو می‌بایست مسئله جنگ تجاری جمهوری خلق چین و ایالات متحده به نوعی حل شود.

۴. جنگ تجاری آمریکا و چین و تأثیر آن بر روابط جمهوری اسلامی ایران و چین

اهمیت موضوع پژوهش در این است که هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین به صور مختلف هدف سیاست‌های تخاصمی و تقابلی ایالات متحده قرار گرفته‌اند. علاوه بر این موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و در خاورمیانه، که پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر با حضور گسترده نیروهای آمریکایی را شاهد بوده است، در کنار سیاست‌های راهبردی چین در منطقه از دیگر جذابیت‌های تحقیق این پژوهش محسوب می‌شوند. مسئله انرژی و امنیت آن همچنین مسیر انتقال آن در خاورمیانه و به صورت خاص و ویژه در خلیج فارس موجب شده است ایالات متحده به همراه متحدان خود در این منطقه حضور فعالی داشته باشد در موارد متعددی نیز با جمهوری اسلامی ایران درگیری‌ها و تقابل‌هایی نیز انجام دهند. بدین ترتیب مساله انرژی و بازاریابی در خاورمیانه موجب ترغیب سایر قدرتها جهت حضور مستقیم در منطقه شده است. چین یکی از مهم‌ترین قدرت‌های نوظهور است که یکطرف به عنوان قدرت آسیایی نقش مهمی در تحولات منطقه دارد از طرف دیگر به دلیل نقش مهمی که در سیاست بین الملل و رقیب قدرت‌های بزرگ از جمله آمریکا دارد، تمایل زیادی برای استفاده از فرصتها و توسعه همکاریهای خود با کشورهای منطقه از جمله ایران که روابط دیرینه توأم با همکاری با این کشور داشته است، دارد. در ادامه می‌توان از جنبه دیگر جذابیت منطقه از نظر تأمین انرژی به ویژه نفت خام، همکاری مشترک در پروژه کمربند و جاده چین و همچنین توسعه نفوذ در منطقه برای پیشبرد منافع منطقه‌ای در چارچوب روابط مسالمت آمیز و دیپلماسی فعال با کشورهای منطقه موجب شده است تا جمهوری خلق چین نیز به این منطقه نگاه ویژه و منحصربه‌فردی داشته باشند و این منطقه را در سیاست‌های امنیتی و جهانی خود لحاظ کنند. در همین راستا ایران نیز از همکاری با چین با توجه به شرایط فعلی خود در نظام بین الملل و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی که در منطقه دارد می‌تواند از فرصت توسعه همکاری با چین بهره ببرد. در واقع علایق و همین منافع در کنار رویکرد تقابلی و تخاصمی ایالات متحده در مقابل دو کشور از وجود مشترکی است که آن‌ها را به یکدیگر نزدیک می‌کنند. از اینرو در ادامه به بررسی تأثیر جنگ تجاری آمریکا و چین بر روابط ایران و چین در حوزه‌های مختلف اقتصاد و امنیت انرژی، نظامی - امنیتی، سیاسی - دیپلماسی خواهیم پرداخت.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



است. این بیشترین میزان از سال ۲۰۱۸ است که چین ۳۵۲ میلیون بشکه از دو کشور خریداری کرد (Bloomberg, 2022). با این وجود بر اساس اطلاعات و داده‌های موجود جمهوری خلق چین از سال ۲۰۱۸ که جنگ تجاری این کشور با آمریکا آغاز شده بود و در دولت دونالد ترامپ سیاست‌های خصمانه‌ای علیه ایران اتخاذ گردید این کشور میزان نفت خریداری شده خود را از ایران کاهش داده است. چین از سال ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۷ به روند رو به رشد واردات خود از دو کشور ایران و ونزوئلا ادامه داده است با این حال از سال ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ به صورت مستمر جریان واردات نفت از این دو کشور را کاهش داده است. با این وجود در سال ۲۰۲۱ واردات نفت چین از این دو کشور به میزان تقریبی دو برابر افزایش پیدا کرد. آنچه از آمار و ارقام فوق استنباط می‌شود این است که هم‌زمان با آغاز جنگ تجاری چین و آمریکا، از سال ۲۰۱۸، این کشور واردات نفت خود را از دو کشور ایران و ونزوئلا کاهش داده است و تنها در سال ۲۰۲۱، در سالی که جو بایدن به جای دونالد ترامپ وارد کاخ سفید شده بود، واردات نفت چین از این دو کشور افزایش داشته است. این ارقام همچنین نشان می‌دهند جنگ تجاری چین و آمریکا با در نظر گرفتن نیاز مبرم چین به نفت و منابع انرژی توانسته است موجب خرید بیشتر نفت از مبدأ ایران شود.

در سال ۲۰۲۱، ایران ۵۹۴ میلیارد دلار به چین صادر کرد. عمده محصولات صادر شده از ایران به چین پلیمرهای اتیلن (۲۵۳ میلیارد دلار)، آهن نیمه ساخته (۶۶۶ میلیون دلار) و الکل‌های غیر حلقوی (۵۱۳ میلیون دلار) بوده است. صادرات ایران به چین طی ۲۶ سال گذشته با نرخ سالانه ۱۴ درصد از ۱۹۸ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۵۹۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است. در سال ۲۰۲۱، چین ۸۲۷ میلیارد دلار به ایران صادر کرد. عمده محصولات صادر شده از چین به ایران، وسایل نقلیه موتوری بوده است. قطعات و لوازم جانبی (۸۷۰۱ تا ۸۷۰۵) (۶۲۷ میلیون دلار)، پمپ هوا (۲۵۰ میلیون دلار) و بدنه خودرو (از جمله کابین) برای وسایل نقلیه موتوری (۸۷۰۱ تا ۸۷۰۵) (۲۲۴ میلیون دلار). طی ۲۶ سال گذشته صادرات چین به ایران با نرخ سالانه ۱۴ درصد از ۲۷۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۵ به ۸۲۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است (Oec.World, 2021)

در ادامه می‌توان گفت ایران و چین ۱۵۷۹۵ میلیارد دلار کالا در سال ۲۰۲۲ مبادله کردند که ۷ درصد بیشتر از سال ۲۰۲۱ بود. این رقم کمی بیش از ۱ میلیارد دلار بیشتر از رقم ثبت شده در سال ۲۰۲۱ است. این نشان دهنده رشد ۱۴ درصدی صادرات چین به ایران در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال ۲۰۲۱ است. به ۹۴۴ میلیارد دلار آمریکا برسد. از این میزان، چین ۸۲۵۸ میلیارد دلار کالا به ایران صادر کرده



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



همکاری بین ایران و چین خود می‌تواند نوید همکاری‌های بیشتر در میان مدت و بلندمدت بین طرفین باشد که این موضوع نیز می‌تواند چین را در استراتژی نگاه به شرق ایران پرنفوذتر کند.

۴-۲. طرح کمربند و جاده چین

طرح راه ابریشم جدید یا «یک کمربند- یک جاده»، یک طرح سرمایه‌گذاری چینی در زیربنای اقتصادی بیش از ۷۷ کشور جهان و توسعه دو مسیر تجاری «کمربند اقتصادی راه ابریشم» و «راه ابریشم دریایی» است که توسط چین در سال ۲۰۱۳ ارائه شده است. این طرح بزرگترین طرح سرمایه‌گذاری است که تاکنون توسط یک کشور ارائه شده است. جمهوری اسلامی ایران از دیرباز در این برنامه مشارکت فعال داشته است به طوری که ایران اکنون به یکی از اصلی‌ترین گذرگاه‌ها و کریدورها برای اجرای طرح یک جاده - یک کمربند تبدیل شده است.

درخصوص نقش و اهمیت ایران در این می‌توان گفت از آنجاییکه ایران به عنوان پلی در جاده ابریشم باستانی که شرق و غرب را به هم متصل می‌کرد، هم اکنون نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی که دارد پتانسیل زیادی برای ایفای نقش مهم در جاده ابریشم جدید دارد. از طرفی دیگر ایران به دلیل واقع شدن در منطقه خلیج فارس دارای قابلیت اثرگذاری روی مسیر دریایی است و همچنین موقعیت این کشور نقش آن را در ترانزیت زمینی برجسته کرده است.

بنابراین امروزه نیز شریک اصلی همکاری در ساخت BRI است. درواقع در حال حاضر بیش از سه چهارم کشورهای جهان از جمله ایران و بیش از سی سازمان بین‌المللی به این طرح پیوسته‌اند. در سال ۲۰۱۶، رئیس‌جمهوری چین پینگ به ایران سفر کرد. در این دیدار، دو طرف یادداشت تفاهم همکاری «کمربند و جاده» را امضا کردند. تحت چارچوب BRI، همکاری‌های دوجانبه به طور پیوسته در حال پیشرفت بوده و نتایج مثمر ثمری را به همراه داشته است. ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور ایران در فوریه ۲۰۲۳، پیش از سفر به چین، در مقاله امضا شده خود اذعان داشت که چین طرح «کمربند و جاده» را برای احیای جاده باستانی ابریشم پیشنهاد کرده است که سرنوشت دو ملت را از نزدیک به هم پیوند می‌دهد. در جریان سفر خود به چین، سران دو کشور بر روی ساخت مشترک «کمربند و جاده»، ارتقای ارتباط و گسترش تبادلات مردمی و فرهنگی توافق کردند (ابولقاسمی، ۱۴۰۲).

درواقع می‌توان گفت هرچند این طرح ایده چین است، اما فرصت‌ها و نتایج آن به نفع طرفین خواهد بود. لذا در سطح استراتژیک، ایران این پروژه را فرصتی برای ارتقای جایگاه خود در اقتصاد جهانی، گسترش فضای مانور خود در عرصه بین‌المللی و توسعه روابط خود با چین به عنوان یک قدرت بزرگ



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پشت سر این موضع‌گیری در جریان است. از سوی دیگر چین نیز از روابط نزدیک با تهران برای اعمال فشار بر غرب در خصوص مساله تایوان و دیگر اختلافات با آمریکا و اروپا استفاده می‌کند.

خاورمیانه یکی از مهمترین مناطق مورد توجه امریکا در طول تاریخ روابط این کشور بوده است. طی سالهای اخیر عقب کشیدن امریکا از این منطقه خصوصاً در دوره ریاست جمهوری ترامپ، چین به موازات نیازهای خود از جمله بازار فروش برای محصولات خود و تأمین انرژی اقدام به توسعه روابط خود با کشورهای منطقه کرده است. اما در بین کشورهای قدرتمند منطقه از جمله کشورهای حاشیه خلیج فارس، ایران بیشترین تمایل را برای نزدیکی به چین نشان داده است. در مقابل کشورهای عربی به دلیل روابط دیرینه خود با امریکا و عدم تمایل حضور چین در منطقه به عنوان قدرت جایگزین امریکا رغبتی از نزدیک شدن به چین از خود نشان ندادند. اما جمهوری خلق چین طی سالهای اخیر با ایجاد سرمایه‌گذاری‌های هنگفت در شرکت‌های عربی و همچنین به دلیل مناسب نبودن بازار داخلی ایران برای فروش کالاهای پیشرفته صنعتی و نفوذ به بازارهای عربی توانسته است نظر دول عربی را جلب کند. از طرفی دیگر چین هیچگاه تمایلی برای حضور در تنشهای منطقه‌ای و استفاده از این تنشها با حضور مستقیم خود در منطقه اعلام نکرده است. در همین راستا چین برای جلب اعتماد بیشتر و همچنین توسعه همکاری همزمان با ایران و دول عربی، نقش میانجیگر برای حل اختلافات بین عربستان و ایران را ایفا کرد. این اقدام چین برای ایرانی که مدتها بود به دنبال رفع تنشها با سعودی‌ها بود موجب شد تا به عنوان یک بازیگر مهم منطقه‌ای زمینه‌های نفوذ بیشتر چین را به عنوان قدرت بزرگ آسیایی در منطقه تقویت کند. درواقع می‌توان گفت جنگ تجاری امریکا و چین بیش از پیش چین را بسمت خاورمیانه سوق می‌دهد و برای نفوذ بیشتر لاجرم باید از همکاری ایران برای تثبیت موقعیت خود استفاده کند.

نتیجه‌گیری

ایران در منطقه‌ای واقع شده است که برای استراتژی و راهبرد یک جاده یک کمربند جمهوری خلق چین دارای اهمیتی اساسی و راهبردی است. بر همین اساس، از سال ۲۰۱۳ تاکنون این که این استراتژی جمهوری خلق چین عملیاتی شده است، روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین این به شدت افزایش یافته است. با این حال در دوره اوج جنگ تجاری چین و آمریکا، با توجه به تحریم‌های شدید ایالات متحده علیه ایران، جمهوری خلق چین خریدار رفته خود را از ایران کاهش داد. پس از پیروزی جو بایدن در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ ایالات متحده و خروج دونالد ترامپ از کاخ سفید، جمهوری خلق چین خرید نفت خود را از ایران افزایش داد. علاوه بر این تأثیر دیگری که در



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



با مطالعه روند فعلی روابط چین و ایران و تاثیرات جنگ تجاری آمریکا و چین بر احتمال افزایش این روابط، نویسندگان زمینه مناسبی برای تحقیق بیشتر در موارد ذیل را مد نظر قرار داده‌اند:

نخست) بررسی جایگاه و نقش ایران در سیاست خارجی جمهوری خلق چین با توجه به قرارداد همکاری ۲۵ ساله بین چین و ایران؛

دوم) بررسی قابلیت‌ها و پتانسیل‌های خلیج فارس برای افزایش مناسبات اقتصادی و امنیتی ایران و چین؛
سوم) مطالعه امکان ایجاد بلوک متشکل و متحد از ایران، چین و روسیه برای مقابله با سیاست‌های تهاجمی غرب و آمریکا؛

چهارم) مطالعه و تحلیل جایگاه چین در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و منطقه گرای؛
پنجم) بررسی امکان افزایش سرمایه‌گذاری چین در ایران و شناسایی حوزه‌های جذاب و مفید برای سرمایه‌گذاری؛

همچنین پیشنهاد می‌شود شبکه‌ای از تیم‌های تخصصی اقتصادی برای بررسی امکان توسعه مناسبات اقتصادی ایران و جمهوری خلق توسط نهادهای ذیربط تشکیل شود تا بتوان از حداکثر پتانسیل‌های قرارداد همکاری ۲۵ ساله ایران و چین در حوزه گوناگون استفاده شود؛ مطالعات میدانی گسترده با کارگروه‌های ویژه برای بررسی جایگاه ایران در استراتژی جاده - کمربند چین ایجاد و تقویت شوند؛ کارگروه‌هایی برای افزایش تبادلات فرهنگی میان ایران و چین ایجاد گردند؛ زمینه‌های گردشگری و توریستی بین دو کشور فراهم آید؛ بازیگران و کنشگران همسو شناسایی شوند و یک بلوک واحد با حضور چین در راستای تقابل با سیاست‌های خصمانه ایالات متحده ایجاد شود؛ و در نهایت دستگاه‌های دیپلماسی در استراتژی جاده - کمربند جمهوری خلق چین فعال‌تر شوند.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



DeBarros, A., & Zumbun, J. (2020). Trump Administration Denying More Tariff-Exemption Requests. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/articles/trump-administration-denying-more-tariff-exemption-requests-11580736641>

Dorning, M. (2019). Farm-Equipment Sales Plunge Most Since 2016 in Trade-War Fallout. Bloomberg. <https://www.bloomberg.com/news/articles/2019-04-26/farm-equipment-purchases-plummet-as-trade-war-hits-rural-america>

DOWNS, E. (2019). High Anxiety: The Trade War and China's Oil and Gas Supply Security. Columbia SIPA.

<https://www.enrpolitycolumbia.edu/research/commentary/high-anxiety-trade-war-and-china-s-oil-and-gas-supply-security>

Feenstra, R. C., Ma, H., & Xu, Y. (2019). "US exports and employment", Journal of International Economics, 120, pp. 46-58. <https://doi.org/10.1016/j.jinteco.2019.05.002>

FENG, J. (2021). U.S. Has Bigger Responsibility Than China to Heal Ties: Beijing Official. Newsweek. <https://www.newsweek.com/us-has-bigger-responsibility-china-heal-ties-beijing-official-1574714>

Ferek, K. S. (2019). Furniture Retailers Start to Feel Tariff Pain More Acutely. -WSJ. <https://www.wsj.com/articles/furniture-retailers-start-to-feel-tariff-pain-more-acutely-11573476321>

Freund, C. (2017). Three Ways to Reduce a Trade Deficit. Peterson Institute for International Economics. <https://www.piie.com/blogs/trade-and-investment-policy-watch/three-ways-reduce-trade-deficit>

Greenwood, M. (2019). Poll: Voters want US to confront China over trade. TheHill. <https://thehill.com/policy/finance/459746-poll-voters-want-us-to-confront-china-over-trade>

Hass, R. (2018). Trump's focus on China trade: Right target, wrong approach. Brookings. <https://www.brookings.edu/blog/order-from-chaos/2018/06/14/trumps-focus-on-china-trade-right-target-wrong-approach/>

Hufford, A. (2019). Manufacturers Cut Spending as Trade War Dents Confidence. Wall Street Journal. <https://www.wsj.com/articles/manufacturers-cut-spending-as-trade-war-dents-confidence-11567935002>

Kapustina, L., Lipková, E., Silin, Y., & Drevalov, A. (2020). "US-China Trade War: Causes and Outcomes", SHS Web of Conferences, 73, pp. 1-13. <https://doi.org/10.1051/shsconf/20207301012>

Kwan, C. H. (2020). "The China-US Trade War: Deep-Rooted Causes, Shifting Focus and Uncertain Prospects", Asian Economic Policy Review, 15(1), pp. 55-72. <https://doi.org/10.1111/aep.12284>

Laker, B. (2020). Who's Winning the Trade War? And How Will It End? Forbes. <https://www.forbes.com/sites/benjaminlaker/2020/02/03/whos-winning-the-trade-war-and-how-will-it-end/?sh=46b7f91e5460>

Lawder, D. (2021). U.S.-China trade war has cost up to 245,000 U.S. jobs: business group study. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-usa-trade-china-jobs-idUSKBN29J2O9>

Lockett, H. (2019). US manufacturers hit harder than China's in trade war. Financial Times. <https://www.ft.com/content/e4aa3a80-0083-11ea-b7bc-f3fa4e77dd47>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



trump.html?campaign_id=60&instance_id=0&segment_id=16445&user_id=579ae23cfcbd75c9aac87cb571cc201c®i_id=72995439ing-news

Rhodium group and the national committee, 2017 May, www.us-china-fdi.com

Rogin, J. (2018). The United States is finally confronting China's economic aggression. The Washington Post. https://www.washingtonpost.com/opinions/the-united-states-is-finally-confronting-chinas-economic-aggression/2018/03/25/3e0a2188-2f72-11e8-b0b0-f706877db618_story.html

Sarkar, S. (2018). Economists united: Trump tariffs won't help the economy. Reuters. <https://www.reuters.com/article/us-usa-economy-poll-idUSKCN1GQ02G>

Schultz, J. D. (2019). Trump's trade war with China will be worth the fight. CNN. <https://edition.cnn.com/2019/08/15/perspectives/trade-war-trump-triumph/index.html>

Smith, D. (2018). Trump plays down US-China trade war concerns: 'When you're \$500bn down you can't lose'. The Guardian. <https://www.theguardian.com/business/2018/apr/04/trump-china-trade-war-concerns-import-taxes-stock-market>

Tankersley, J., & Landler, M. (2019). Trump's Love for Tariffs Began in Japan's '80s Boom. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2019/05/15/us/politics/china-trade-donald-trump.html>

Tianjie, M. (2016). China's 5 Year Plan for Energy – The Diplomat. The Diplomat. <https://thediplomat.com/2016/08/chinas-5-year-plan-for-energy/>

Trade War with China Heats Up, But Tariff Effects Are Already Rippling Across U.S. (2018). NPR. <https://www.npr.org/2018/07/09/627376002/trade-war-with-china-heats-up-but-tariff-effects-are-already-rippling-across-u-s?t=1640729971816>

US and China clash over "technology transfer" at the WTO. (2018). CNBC. <https://www.cnbc.com/2018/05/29/us-and-china-clash-over-technology-transfer-at-the-wto.html>

Vanderklippe, N. (2018). In China, trade war fears stoke new criticism over the country's direction. The Globe and Mail. <https://www.theglobeandmail.com/world/article-in-china-trade-war-fears-stoke-new-criticism-over-the-countrys/>

Vlados, C. (2020). "The Dynamics of the Current Global Restructuring and Contemporary Framework of the US-China Trade War", Global Journal of Emerging Market Economies, 12(1), pp. 4-23. <https://doi.org/10.1177/0974910119896636>

What is the US-China trade war? (2020). South China Morning Post. <https://www.scmp.com/economy/china-economy/article/3078745/what-us-china-trade-war-how-it-started-and-what-inside-phase>

Wiener, A., 2003. Constructivism: The Limits of Bridging Gaps.

Wiseman, P. (2019). Latest Trump Tariffs Could Hit Consumers with Higher Prices. US News. <https://www.usnews.com/news/politics/articles/2019-08-30/tvs-to-shoes-this-time-consumers-face-pain-of-trump-tariffs?context=amp>

Wu, J., Wood, J., Oh, K., & Jang, H. (2021). "Evaluating the cumulative impact of the US-China trade war along global value chains", World Economy, 44(12), pp. 3516-3533. <https://doi.org/10.1111/twec.13125>



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی